

روی خط سینما

● **خانه سینما** در نامه‌ای از ریاست قوه قضائیه درخواست کرد تا امکان حضور محمد رسول آف در جشنواره فیلم برلین فراهم شود. به گزارش ایسنا، طبق اعلام روابط عمومی خانه سینما، این تشکل صنفی در نامه‌ای که به امضای همایون اسعدیان رئیس هیات مدیره رسیده است از ریاست قوه قضائیه درخواست کرده تا امکان حضور محمد رسول آف در جشنواره فیلم برلین فراهم شود. □

● فیلم سینمایی «منطقه پرواز ممنوع» به کارگردانی امیرداسارگر با ۵۵ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان فروش بلیت در سینما تیکت و یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در مناطق و شهرهای فاقد سینما (سینماسایار) از مرز ۷ میلیارد عبور کرد. این فیلم داستان سه جوان است که هنگام آماده شدن برای شرکت در مسابقات ساخت هواپیما، باید باشند یک‌بیزینس در حوالی محل زندگی شان وارد مسائل و درگیری‌های مختلف می‌شوند. □

● **مارتین مک** دوباره فیلم تحسین شده‌اش «سه بیلورد بیرون اینگ، میزوری» نامزدی بهترین فیلم اسکار را کسب کرد. فیلم بعدی‌اش را که هنوز عنوانی ندارد، درباره دوستی در ایرلند می‌سازد. این کارگردان ایرلندی-بریتانیایی برای ساخت فیلم بعدی‌اش بار دیگر با سرچلایت دیزنی و «فیلم ۴» بریتانیا همراه می‌شود. این دو کمپانی سازنده «سه بیلورد...» و فیلم برنده اسکار «سوگلی» با بازی اولیویا کولمن هم بودند. هنوز گروه بازیگران نهایی نشده اما گفته شده است که تولید فیلم همین امسال شروع می‌شود. □

● **زویی کالدول**، بازیگر پرستعداد استرالیایی که مهارتی خاص در نشان دادن چهره انسانی شخصیت‌های با ابهتی چون کلئوپاترا و ماریا کالاس داشت و چهار جایزه تونی را برای توانمندی‌هایش در زمینه نمایش کسب کرده بود، در ۸۶ سالگی بر اثر پارکینسون درگذشت. این بازیگر که در سینما و تلویزیون نیز نقش‌آفرینی کرده بود، پیش از همه برای اجراهایش در برادوی شناخته می‌شد. او سال ۱۹۹۵ در نمایش «امستر کلاس» ترنس مک نالی در نقش ماریا کالاس ظاهر شده بود. □

جشنواره موسیقی

● گروه دنفره فرانسوی دوئت آکاردئون سه‌شنبه شب در قالب سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر با حضور محمد الهیاری، مدیرکل دفتر موسیقی و شاهین فرहत، دبیر جشنواره روی صحنه رفت. ویسنت پیراتی با ساز آکاردئون و امیل پاریزین با ساکسیفون اعضای این گروه دو نفره را تشکیل می‌دادند که با هماهنگی تمام، چهار قطعه را برای حاضران نواختند. این اجرا با حرکات بدنی جالب و ویژه دنووازنده همراه بود. □

● در آخرین شب از سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر ۱۲ گروه اجرای خود را به روی صحنه بردند. مهم‌ترین و پرطرفدارترین اجراهای این روز به ارکستر ملی ایران به سرپرستی سهراب کاشفی و خوانندگی سالار عقیلی، گروه مستان نو به رهبری پرواز همای و ظافر یوسف نوازنده شهیر و بین‌المللی عود از کشور تونس اختصاص داشت. همچنین شب موسیقی سیستان و بلوچستان با اجراهای ویژه این بخش در سالن سوره حوزه هنری روی صحنه رفت. □

● مراسم اختتامیه سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر پنجشنبه اول اسفند در تالار وحدت طی مراسم ویژه‌ای با حضور مسئولان کشوری و فرهنگی و هنری همراه با اهالی هنر به ویژه موسیقی و مردم برگزار خواهد شد و به‌نام بانی آخرین اجرای بخش پاپ این دوره از جشنواره راه‌بری صحنه خواهد برد. □

دیالوگ

محمد رحمانیان، نویسنده و کارگردان تئاتر: قدری از تئاتر دور افتاده و تعدادی از مخاطبان خود را از دست داده‌ام، همچنین با بخش بزرگی از مخاطبان احساس غریبی می‌کنم، چون بعضا صحنه‌های دردناکی را می‌بینم که مخاطبان به آنها می‌خندند. این نمایش ۱۵ دقیقه است و امیدوارم مخاطبان به دیدن آن بیایند و بتوانیم مجدداً با هم ارتباط برقرار کنیم. ۳۸ سال دوران کاری ۱۸ سال ممنوع‌الفعالیت بودم و سال ۷۶ هم این حرف را زد که جنس مخاطبان امروز انمی‌شناسم. □

جلال مقامی، دوبلور کهنه‌کار ایرانی: «قصه برگشتن به دوبله را ندارم. مثل قبل نیستم و چهار سال است پیام را در استودیوها نگذاشته‌ام. صدایم وقتی دچار مشکل شد، نتوانستم دیگر کار کنم؛ البته حالا شرایط صدایم کمی بهتر شده است، ولی آن قدری که بروم و از صبح تا شب با این ترافیک، اصلاً نمی‌توانم! دیگر به شرایط عادت و خودم را بازنشسته کرده‌ام. □

شهریار عباسی، نویسنده کتاب‌های «دختر لوتی» و «بازگوش»: «عدالت در تبلیغات کتاب هیچ‌وقت رعایت نمی‌شود. ممکن است کاری خوب باشد، اما وضع ناشر، نویسنده و فضای جامعه به گونه‌ای باشد که معرفی نشود، اما کتابی هم قشش نباشد، ولی به علت تبلیغ دیده شود. خواننده باید تلاش کند منابع تبلیغی مطمئن را پیدا کند. او باید بداند دنبال چیست و زمانی که فهمید چه می‌خواهد، از منابع مطمئن اطلاع‌درستی پیدا و به آن منبع اعتماد کند و تبلیغات آن را جدی بگیرد. □

روی خط تئاتر

● نمایش برگشتن افتخارآمیز مردان جنگی به نویسندگی شهرام احمدزاده و کارگردانی حسین شهبازی از روز جمعه دوم اسفندماه سال جاری در سالن انتظامی خانه هنرمندان روی صحنه می‌رود. در خلاصه داستان برگشتن افتخارآمیز مردان جنگی که براساس نمایشنامه «بیرون، پشت در» اثر ولفگانگ بورشرت نوشته شده، آمده است: «بکمان سه سال بعد از اتمام جنگ جهانی دوم به شهر خودها می‌بازگردد. □

● پرتواری از نمایشنامه «پژوهشی ژرف و سترگ...» که متن شاخصی از عباس نعلبندیان است، هم‌زمان با پنجاهمین سالگرد تأسیس کارگاه نمایش در جشنواره تئاتر تجربه برگزار می‌شود. □

اشتیاق اسکورسوزی برای فیلم بعدی کارگردان «انگل»

مارتین اسکورسوزی در نامه‌ای خطاب به بونگ جون هو، کارگردان «انگل» گفته است که کارت را خوب انجام داده‌ای و باید استراحت کنی، اما فقط کمی؛ من و همه افراد دیگر مشتاقانه منتظریم تا فیلم بعدی‌ت را ببینیم. دیروز بونگ جون در کنفرانسی مطبوعاتی به این نکته اشاره کرد و گفت که پس از کمپین موفقیت‌آمیز اما خسته‌کننده اسکار قصد استراحت داشتیم، اما مارتین اسکورسوزی، کارگردان برجسته آمریکایی اظهار نظری کرد که موجب شد سریع به کار خود برگردم؛ «من نامه او را چند ساعت پیش خواندم و برایم افتخاری بود.» او درباره فیلم انگل و موفقیت‌های آن توضیح داد: «داستان از تنها عناصر طنز یا خود ندارد، بلکه طبیعت تاریخ و دردناک نابرابری بین داشتن و هیچ نداشتن را در جوامع مدرن تصویر کرده است.» این نمایش گزیده می‌تواند حتی از نظر تجاری نیز پرمخاطره باشد، اما او نمی‌خواهد ذره‌ای از این تلخی با پس بگذرد. اما نکته مهم این است که این فیلم حتمی پیش از دریافت اسکار در آمریکای شمالی، فرانسه، ویتنام، ژاپن، بریتانیا و خود کره جنوبی با اقبال روبه‌رو شد و بزرگترین افتخار این است که مخاطبان زیادی از سراسر جهان به این فیلم پاسخ مثبت دادند. «این کارگردان کربای پیش از این هم با فیلم علمی-تخیلی خود با عنوان «برف‌شکن» در سال ۲۰۱۳ با بازی کریس اوآنز، تیلدا سویتون و سونگ کانگ‌هو از بازیگران «انگل» با اقبال زیادی روبه‌رو شده بود، اما هرگز به جایگاه «انگل» نرسیده بود. موفقیت انگل با نمایش در جشنواره فیلم کن و دریافت نخل طلای کن شروع شد و بعد هم در مراسم اسکار، بسیاری از جوایز را از آن خود کرد. □



سلام سینما □

اکران «خوب بد جلف» و رکوردشکنی «مطرب» در هفته جنجال‌های جشنواره‌ای

موج تمام نشدنی کم‌دی در سینمای ایران

❏ **پولاد امین** یک هفته بعد از پایان جشنواره فیلم فجر، در هیاهوی انتقادات و اعتراضات و حواشی مرتبط با جشنواره، اکران فیلم «خوب بد جلف: ارتش سری» آغاز شد. تنها کم‌دی و البته ناموفق‌ترین فیلم جشنواره (به همراه روز بلوای بهروز شعبانی، بدون حتی یک نامزدی) که داغ‌داغ از فرصت تبلیغاتی جشنواره بهره برده و اسپس را با هدف موفقیت گیشه‌ای تازانده است، و این یعنی که می‌توان چشم بر تمام سیمرغ‌ها و تقدیرها بست و این فیلم را برنده اصلی جشنواره فیلم فجر نامید که از فرصت جشنواره در راستای چرخه اصلی و ذاتی سینما (تولید و اکران و تولیدی دیگر) استفاده کرده است. دو روز پیش رسانه‌ها اعلام کردند فیلم «مطرب» رکورد پر فروش‌ترین فیلم سینمای ایران را که در اختیار فیلم «هزارپا» بود، شکسته است. خبری که اگرچه بسیاری شائبه‌های زیادی بر آن وارد کردند، اما همین که در اوج انواع و اقسام انتقادات به کم‌دی‌های کم‌مایه سال‌های اخیر باز هم یک کم‌دی از همان جنس می‌آید و رکوردها را جابه‌جا می‌کند (تو بگو، نزدیک به رکورد می‌شود) یعنی که در این سینما همه چیز بر مدار کم‌دی می‌چرخد و پادها تنها بر پرچم کم‌دی‌ها می‌وزند...

جنگی بالانشین بوده‌اند (چهار فیلم از ۱۰ فیلم بر مخاطب) و در دهه ۷۰ نیز نوبت فیلم‌های ملودرام اجتماعی رسیده (عروس و آدم‌برفی)... علاوه بر این، مرور آمار پر بیننده‌ترین فیلم‌های هر دهه نشان از این دارد که اتفاقا دهه سیطره کم‌دی، کم‌مخاطب‌ترین دوره سینمای ایران بوده است. در دهه ۶۰ «عقاب‌ها» با ۸٫۶ میلیون نفر، پر بیننده‌ترین فیلم دهه بود. در دهه ۱۳۷۰ «افعی» با ۶٫۳ میلیون نفر این عنوان را به دست آورد. پر بیننده‌ترین فیلم دهه ۸۰ «خرابی‌ها» با ۵٫۳ میلیون نفر در دهه ۹۰ نیز «هزارپا» و «مطرب» با ۴٫۲ میلیون مخاطب به این عنوان دست‌یافته‌اند.

● ● ●

اما اینکه چرا در سال‌های اخیر سینمای ایران کاملاً در سیطره کم‌دی‌ها قرار گرفته؛ از نظر آنتونی شرکا «شانس فروش بیشتر فیلم‌های کم‌دی» دلیل اصلی ساخته شدن پشت سر هم چنین فیلم‌هایی است. شاهرخ دولکو، منتقد کهنه‌کار سینمای ایران نیز (سوداوری) را راز اصلی تداوم تولید چنین فیلم‌هایی می‌داند: «به دلیل شرایط اجتماعی مردم پیش از دیدن فیلم‌های کم‌دی علاقه‌مند شده‌اند تا در دو ساعت حضور در سالن سینما فارغ از همه چیز شاد باشند و این باعث شده کم‌دی‌ها سودآوری داشته باشند و سودآوری هم موجب می‌شود ساخت این فیلم‌ها در اولویت کار تهیه‌کنندگان سینما قرار گیرد.»

بهروز افخمی اما زاویه‌ای دیگر به این معضل نگاه می‌کند. او در این زمینه گفته که «اصلاً سینمای کم‌دی مبتدل چاره‌ای ندارد؟ فرستی بعضی دیگر فکری کنند این فیلم‌ها با نوعی توطئه در حال ساخت است تا ارزش‌های انقلاب را نابود کنند، اما مردم می‌فهمند و فیلم‌چدی را جدی می‌گیرند و فیلم کم‌دی را کم‌دی می‌بینند. مردم ایران فرهنگ دارند و این گونه نیست که با فیلم کم‌دی بتوان ارزش‌های مردم را سست کرد. در مورد شوخی تندزنده هم می‌گویم چه اشکالی دارد؟ برخی می‌گویند بچه‌های شوخی‌ها را ایامی گیرد، اما بچه‌ها اگر فحش ناموس‌های راز پدر و مادر را ندگر گفته باشند، سال اول دبستان حتماً یاد می‌گیرند.»

البته همه مثل افخمی هوادار این نوع فیلم‌ها نیستند. آنان نیز اما ساخته شدن این نوع کم‌دی‌ها را از نظر می‌دانند. ابوالحسن داودی کارگردان فیلم «هزارپا» سیطره کم‌دی پرسینمای ایران را موجهی گذرامی می‌داند: «این امر ناشی از یک نقطه ضعف بزرگ در سینمای ما است که متأسفانه بیشتر از آنکه شبیه یک صنعت باشد، غالباً پروسه‌ای تک‌محصولی با اهداف به شدت کوتاه‌مدت است و بیش از ۹۰ درصد تهیه‌کنندگان ماکسانی هستند که به زحمت فیلمی را تولید می‌کنند و بر این اساس وقتی یک فیلم در هر ژانری موفق می‌شود، اقبال بدون برنامه به آن هم ریاد می‌شود. همچنان که در خیلی از دوره‌ها دیده‌ایم فیلم‌های اجتماعی یا ملودرام‌های موفق نیز چنین وضعیتی داشتند و یک باره ژانرهای مختلف به دنبال موفقیت یک‌یاد و فیلم‌رشد کردند و آن قدر پیش‌پا افتاده تکرار شدند که دوباره به کم‌افتند. این اتفاق برای سینمای کم‌دی هم رخ خواهد داد.» □

● ● ●

شیربی‌پال و دم

علی‌رضا خمسه میزبی را در سخیف شدن کم‌دی‌ها بی‌دلیل نمی‌داند: «وقتی نشود در سینمای کم‌دی راجع به هیچ چیز انتقاد کرد، یعنی این عنصر حیاتی از کم‌دی گرفته شود، آن همه چیز بی‌مزه و لوس می‌شود. موقعی یک کم‌دی با مزه است که من کم‌مدین بتوانم از رفتار شما ایراد بگیرم و در یک اجرای کمیک از آن انتقاد کنم. حالا شما ممکن است چه کسی باشید؟ یک پزشک؟ نمی‌توانم. یک وکیل؟ نمی‌توانم. یک هنرمند؟ نمی‌توانم. یک کاسب؟ نمی‌توانم. شیر بی‌پال و دم و اشکم که دید؟ این چنین شیری خدا کی آفرید؟ مثلاً به بخشی از فیلمنامه ایراد می‌گیرند و می‌گویند نه دیگر، می‌خواهد از نیروی انتظامی ایراد بگیرد؟ از برادران فلان جا و خواهران فلان جا می‌خواهد ایراد بگیرد؟ نمی‌شود. همین می‌شود که من در کم‌دی‌هایم فقط از خانواده خودم حرف می‌زنم! چون اگر یک قدم آن‌ورتر بروم و راجع به خاله‌ام حرف بزنم، ممنوع‌الفعالیت می‌شوم!» □

● ● ●

کم‌دی‌های سال‌های اخیر انتقادات زیادی را موجب شده‌اند. محمد رضا هنرمند که خود با کم‌دی‌هایی چون مرد عوضی و مومیایی سه شناخته می‌شود، گرایش سینمای ایران را در سال‌های اخیر به کم‌دی «بیمارگونه و افراط‌گونه» می‌داند. «به قصد سوداگری و سوء استفاده از شرایط حاکم بر روح و روان جامعه»، محسن محسنی‌نسب، کارگردان سینما بر این باور است که «این روزها سینمای کم‌دی دست همه را بسته. با فیلمنامه‌هایی که با وصل الفاظ و شوخی‌های رکیک و مبتذل فضای مجازی تشکیل یک فیلم سخیف را می‌دهند و توقع مخاطب از سینما را سستی می‌کنند. اسیروس الوندگرفتری سینمای ایران را «نه فیلم‌های کم‌دی که سینمای مبتذل» می‌داند، فاطمه معتمدآریا بر این باور است که «در چپه‌های ابتدال در سینما باز شده است و نگاه عمیق در رابطه با احترام به تماشاگر در سینمای کم‌دی امروز وجود ندارد.» سعید فراسی هم را دیگر یکال تر از تمام این صاحب‌نظران کم‌دی‌های این سال‌های سینمای ایران را فیلم‌های لمپنی و استقبال از کم‌دی‌های این روزگار را تماشاگران لمپن می‌داند.

● ● ●

با تمام این انتقادات اما کم‌دی‌ها همچنان ساخته می‌شوند و می‌فروشند که البته ساخته شدن کم‌دی‌هایی از این جنس نیز به دلیل فروش تضمین شده‌شان است. به گزارش روابط عمومی سازمان امور سینمایی در فاصله سال‌های ۹۳ تا ۹۶ از بین مجموعاً ۱۱ فیلم «نهنگ عنبر»، «گشت ۲»، «خوب بد جلف»، «فروشنده»، «محمد رسول الله (ص)»، «من سالوادور نیستم»، «اسلام بمبئی»، «پنجاه کیلو اولیو»، «ابد و یک روز»، «بارکد»، «اکسیدان» که بیش از ۱ میلیارد تومان فروخته‌اند، هفت فیلم متعلق به سینمای کم‌دی بوده‌اند. با در جدول فروش سال ۹۸ فیلم‌های «مطرب»، «متری شیش و نیم»، «تگرزاس ۲»، «رحمان ۱۴۰۰»، «شبی که ماه کامل شد»، «سرخیوست»، «چشم‌وگوش بسته»، «چهار انگشت»، «ماه‌مه‌ها هم هستیم»، «وزیر نظر» تاکنون ۱۰ فیلم پر فروش سال بوده‌اند که در میان این ۱۰ فیلم هفت فیلم متعلق به سینمای کم‌دی هستند که حتی اگر «ماه‌مه با هم هستیم» را هم کم‌دی ندانیم، باز هم ۷۰ تا ۸۰ درصدی کم‌دی‌ها در میان فیلم‌های پر فروش سال نشان از سیطره این ژانر بر کلیت سینمای ایران دارد. در جدول پر فروش‌های سال گذشته نیز ۷ فیلم «هزارپا»، «مساده»، «تگرزاس»، «قانون مورفی»، «لونه زنبور»، «الس آنجلس تهران» کم‌دی‌های جدول ۱۰ فیلمی پر فروش هلا هستند تا نسبت ۲ درصدی در آن فهرست نیز یار جاباشد.

در جدول پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران نیز این قاعده به شکلی تکرار شده است. طبق آخرین آمار که درباره پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران منتشر شده، «مطرب» و «هزارپا» با گذر از مرز ۳۸ میلیارد تومان پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران هستند و بعد از این دو فیلم نیز «متری شیش و نیم» با ۲۸ میلیارد، «تگرزاس ۲» با ۲۵ میلیارد و «رحمان ۱۴۰۰» با ۲۳ میلیارد در رده‌های دوم تا پنجم قرار دارند. «نهنگ عنبر» سلکشن رویا، «آینه بقل» و «گشت ارشاد ۲» نیز حدود ۲ میلیارد فروخته‌اند و بعد از این سه فیلم نیز «شبی که ماه کامل شد» و «من سالوادور نیستم» دیگر فیلم‌های پر فروش فهرست ۱۰ فیلمی پر فروش‌ها هستند. جدولی طعنه‌آمیز که نشان می‌دهد هشت فیلم از ۱۰ فیلم پر فروش سینمای ایران فیلم‌های کم‌دی هستند و طعنه‌آمیزتر اینکه سه فیلم از این ۱۰ فیلم را منوچهر هادی ساخته است. البته درباره اینکه این پر فروش‌ها واقعاً مخاطب‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران باشند، شائبه‌های جدی وجود دارد. نخست اینکه تنها و تنها همین واقعیت ساده که تمام این ۱۰ فیلم در دو سال اخیر تولید شده‌اند، نشان می‌دهد نقش تورم و قیمت بلیت در بالانشینی این فیلم‌ها بسیار جدی است. در واقع اگر میانگین بلیت سال‌های اخیر را ۱ هزار تومان در نظر بگیریم، مشخص می‌شود دو فیلم پر فروش سینمای ایران هر دو کمتر از ۴ میلیون مخاطب داشته‌اند (در حالی که بلیت در پردیس‌ها که بخش عظیمی از فروش فیلم‌ها در آنها صورت می‌گیرد، به مراتب بیشتر است) این در حالی است که گذشته از فیلم‌های قبل از انقلاب، در سینمای بعد از انقلاب فیلم‌های «عقاب‌ها» یا «زننده یاد ساموئل خاچیکیان» با بیش از هشتاد و نیم میلیون و «کاتی مانگا» یا «زننده یاد سیف‌الله داد» با ۷ میلیون مخاطب، پر مخاطب‌ترین فیلم‌های سینمای ایران هستند و به این معناست که اگر امروز روی پردمی آمدند، بیش از هشتاد و شصت میلیون تومان می‌فروختند. ده‌سوم پر مخاطب‌ترین فیلم‌ها نیز با بیش از پنج و نیم میلیون مخاطب در اختیار «اجراهای ۲» است و بعد از آن نیز «بگزار زندگی کنم»، «گذرگاه»، «تراج»، «اجاره‌نشین‌ها»، «عروس»، «خواستگاری» و «آدم برفی» قرار دارند که همه تعداد مخاطبان شان بیشتر از «مطرب» و «هزارپا» است. فهرستی که نشان می‌دهد بالانشینی کم‌دی‌ها در سینمای ایران همیشگی نبوده و بستگی تام و تمامی به حال و هوای اجتماعی زمان اکران فیلم‌ها دارد. چنان که در دهه ۶۰ اغلب فیلم‌های اکشن-